



امریکا
تاکون با
حدود ۵۰
بار استفاده
از حق وتو
در حمایت
از جنایات
رژیم
صهیونیستی
در شورای
امنیت
سازمان
ملل، نه
تنها زمینه
مصونیت
لازم برای
فرار از
جنایات
جنکی و
نسل کشی
اسرائیل را
فراهم کرده
است بلکه با
این وتوهای
پی در پی
باعث هرچه
بی اعتبار
شدن
مهمترین
رکن
سازمان
ملل - که
قرار بود
صلح و
امنیت
بین المللی
را برای همه
اینها بشر
به ارمغان
آورد- شده
است

مصونیت از مجازات علت اصلی تداوم جنایات اسرائیل

یادداشت

بهروز کمالوندی

سخنگو و معاون امور بین الملل، حقوقی و مجلس سازمان انرژی اتمی ایران

قتل عام مردم بی گناه فلسطین بویژه ساکنین باریکه غزه که تاکنون حدود ۸۰ هزار کشته و مجروح به جای گذاشته که بیش از ۷۰ درصد از آنها زنان و کودکان هستند اگر چه جهان را در شوک فرو برده و باعث اعتراضات گسترده در سطح جهان شده است؛ برای نسل های فلسطینی در طول ۷۵ سال گذشته امر جدیدی نیست. ادامه کشتار و غصب سرزمین ها و تخریب اماکن عمومی مانند بیمارستان، مسجد، کنیسه و کلیسا و به تصویر کشیدن آنها که به برکت دوربین های تلفن همراه در سال های اخیر در معرض دید میلیاردها انسان قرار می گیرد و عدم توقف این جنایات یک دلیل بزرگ دارد و آن احساس مصونیت رژیم جعلی در قبال هر نوع جنایتی است که به دلیل حمایت قدرت های جهانی بویژه امریکا از آن صورت می پذیرد.



خشونت آمیز و راندن فلسطینیان از سرزمین مادری خود از طریق مختلف از جمله شهرک سازی و انتقال یهودیان از اقصی نقاط جهان به این شهرک ها توطئه های خود را عملی کرد.

فروپاشی نظام دوقطبی

با فروپاشی نظام دوقطبی و فراهم شدن زمینه برای حمایت هرچه بیشتر کشورهای غربی بویژه امریکا از این رژیم، عرصه بین المللی نیز برای یکه تازی اسرائیل بیش از پیش مهیا شد. متأسفانه در سال ۱۹۹۱ با استفاده از فضای ایجاد شده ناشی از آغاز فروپاشی شوروی و ایجاد امید کاذب توسط کشورهای غربی در خصوص صلح و ثبات منطقه ای بین المللی و سوء استفاده امریکا از شرایط، اسرائیل موفق شد قطعنامه سازمان ملل را که بعد از قطعنامه ۳۲۷۹ سال ۱۹۷۵ مجمع عمومی ۳۱۵۱ دسامبر ۱۹۷۳ صهیونیسم را همانند هم پایه آپارتاید از مصادیق تبعیض نژادی می دانست لغو کند. متعاقباً اجلاس مادرید و توافق اسلو همچنین عقب نشینی های بی دریبی در مقابل غاصبان و جنایت اسرائیلی در مقابل هیچ ما به ازایی باعث هر چه جری تر شدن این رژیم و ارتکاب جنایات بیشتر علیه فلسطینیان و غصب سرزمین های آنها و اجدادی آنان شد.

امریکا تاکنون با حدود ۵۰ بار استفاده از حق وتو در حمایت از جنایات این رژیم در شورای امنیت سازمان ملل، نه تنها زمینه مصونیت لازم برای فرار از جنایات جنکی و نسل کشی اسرائیل را فراهم کرده است بلکه با این وتوهای پی در پی باعث هرچه بی اعتبار شدن مهمترین رکن سازمان ملل - که قرار بود صلح و امنیت بین المللی را برای همه اینها بشر به ارمغان آورد- شده است. علاوه بر این حمایت های سیاسی کشورهای غربی بویژه امریکا، انگلیس و فرانسه با تأمین انواع سلاح ها و کمک های مختلف به این رژیم از جمله توسعه ساختن سلاح های و ایجاد زرادخانه دارای چلندد کلاهک هسته ای عملاً به

جهانیان اعلام کرده اند که برای حمایت از این رژیم جنایتکار و کودک کش هیچ حد و مرزی نمی شناسند و در هر وضعیتی حمایت های بی دریغ خود از آن را نخواهند کاست.

وجدان های بیدار بشریت، مردم عادی و نخبگان می پرسند که چرا سازمان های بین المللی به مسئولیت خود در این رابطه عمل نمی کنند و اینکه آیا اصولاً چنین ساختاری در سطح بین الملل می تواند صلح و امنیت را برای همه ملت ها بدون تبعیض ایجاد نماید؟ تاکنون هیچ گاه در چنین سطحی ایهام و ناامیدی نسبت به ساختارهای بین المللی برای جهانیان ایجاد نشده بود. در چنین شرایطی برای ایجاد امید نسبت به امکان ایجاد عدالت و صلح، ضرورت دارد این سازمان ها به مسئولیت های خود در قبال نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنکی این رژیم عمل کنند.

تهدید اسرائیل به استفاده از سلاح هسته ای

از جمله سازمان های مسئول در این رابطه آژانس بین المللی انرژی اتمی است. هنگامی که وزیر میراث این رژیم مردم بی گناه غزه را تهدید به بکارگیری سلاح هسته ای نمود جمهوری اسلامی ایران بلافاصله نسبت به چنین نیت وحشتناکی صدا ی خود را بلند کرد. رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در تاریخ دهم نوامبر سال جاری طی نامه ای به عنوان مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی با اشاره به این اظهارات و نیز دو نفر از نمایندگان کنست اسرائیلی که اظهارات مشابهی داشتند همچنین اظهارات نخست وزیر این رژیم در مجمع عمومی سال جاری که طی آن گفته بود «ایران باید با تهدید هسته ای معتبر مواجه شود» از مدیرکل خواست که با توجه به این اظهارات مغایر با قوانین و مقررات بین المللی و اعتراف آشکار به داشتن سلاح هسته ای توسط این رژیم، علاوه بر محکوم کردن چنین

عاری از سلاح هسته ای در آسیای غربی که سابقه آن به قطعنامه ۴۸۷ سال ۱۹۸۱ شورای امنیت پس از حمله این رژیم به تأسیسات اتمی عراق باز می گردد تاکنون با بی توجهی کامل این رژیم به مقررات بین المللی از جمله قطعنامه های کنفرانس عمومی آژانس به شماره های ۴۰۷ (۱۹۸۳)، ۴۴۴ (۱۹۸۵)، ۴۷۵ (۱۹۸۷) و ۵۲۶ (۱۹۹۰) بی نتیجه باقی مانده است. متأسفانه نه تنها خواسته جامعه بین المللی آن طوری که در قطعنامه ۴۸۷ سال ۱۹۸۱ شورای امنیت آمده محقق نشده است، بلکه قطعنامه های مکرر و متعدد بعدی که به نحوی از تبع و توی امریکا دور ماند نیز باعث نگردید که این رژیم قواعد و مقررات بین المللی در زمینه کنترل سلاح های هسته ای را بپذیرد. از جمله این قطعنامه ها که همگی بدون نتیجه باقی مانده است علاوه بر قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت، قطعنامه کنفرانس بازنگری و تمدید NPT در سال ۱۹۹۵ است که طی آن ضرب الاجل پذیرش منطقه عاری از سلاح هسته ای توسط این رژیم را سال ۲۰۰۰ تعیین نمود. این رژیم نه تنها به این درخواست ها و تعیین ضرب الاجل اعتنا نکرد، بلکه چند سال بعد از ضرب الاجل تعیین شده تحت مصونیت ایجاد شده توسط قدرت های غربی، با جرأت و جسارت بیشتری این بار به سایت دیرالزور سوریه حمله نمود.

درخواست های مکرر جامعه جهانی در قالب قطعنامه های شورای حکام و کنفرانس عمومی در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز بی نتیجه باقی ماند.

چرخش عجیب آژانس

متأسفانه در سال ۲۰۱۱ در یک چرخش

ملل طی نامه ای به دبیرخانه دیوان بین المللی کیفری (ICJ) در قالب این سؤال که «آیا برای استفاده از سلاح اتمی یا تهدید به استفاده از آن در حقوق بین الملل مجوزی داده شده است؟» از دیوان درخواست نظر مشورتی نمود.

روز ۸ جولای سال ۱۹۹۶ دیوان، نظریه مشورتی خود را صادر نمود. براساس این نظریه مرتبط ترین قوانین بین المللی مرتبط با موضوع سؤال، قوانین و مقررات استفاده از زور است و براساس اینکه استفاده از زور یا تهدید به استفاده از آن صرف نظر از نوع سلاحی که به کار می رود یا تهدید به استفاده از آن می شود اعلام کرد استفاده یا تهدید به استفاده از زور طبق بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل قضاوت می شود، به نحوی که هرجایی که به آن هم ممنوع است. در عین حال در منازعات، استفاده از زور می بایست حقوق بشر و سستانه رعایت گردد. دیوان همچنین ضمن اشاره به رویه و عرف بین المللی، تفاوت دیدگاه کشورهای مختلف نسبت به عدم استفاده از سلاح هسته ای در طول ۵۰ سال (تا آن زمان) قوانین مرتبط با حفاظت از جان غیرنظامیان در جنگ ها و غیره عملاً نظریه ای مبهم در این خصوص ارائه نمود که به طور قطع با توجه به گذشت ۲۷ سال از ارائه این نظر مشورتی و تغییر عمده ایجاد شده در سطح بین المللی و مخاطرات جدیدی که صلح و امنیت بین المللی را تهدید می کند، نظرخواهی مجدد توسط کشورها از طریق مجمع عمومی سازمان ملل را امری ضروری نموده است.

عجیب، آژانس بین المللی انرژی اتمی در حالی که همواره از سوریه به خاطر حمله اسرائیل به عنوان یک عضو تحت پادمان حمایت می نمود، تحت فشار کشورهای غربی با تغییر رویکرد بجای تنبیه اسرائیل موضوع سوریه را به شورای امنیت منعکس کرد. به عبارتی دو حمله این رژیم به کشورهای عراق و سوریه اگر چه در ابتدا با انتقاد و تقبیح کشورهای جهان از جمله قدرت های غربی آغاز شد لیکن با فرونشستن تب ناشی از این حملات که با قوانین و مقررات بین المللی کاملاً متناقض بود جای قربانی و جانی عوض شد و به جای اسرائیل این کشورهای عراق و سوریه بودند که مورد سؤال و فشار سازمان های بین المللی قرار گرفتند. کنفرانس های بازنگری NPT و جلسات آن در سال های ۲۰۱۲، ۲۰۱۵، ۲۰۱۹، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نیز نتوانست هدف جامعه جهانی مبنی بر ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته ای در خاورمیانه را که ضرب الاجل آن برای سال ۲۰۲۰ تعیین شده بود به نتیجه مورد نظر برساند.

آژانس بین المللی انرژی اتمی می تواند و باید در نتیجه درخواست های مطروحه از جانب کشورهای اسلامی و عربی بر اساس وظیفه ذاتی خود علاوه بر انعکاس موضوع به شورای امنیت سازمان ملل متحد، طبق بند «ب» ماده ۱۷ اساسنامه خود نیز از طریق مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان بین المللی کیفری (ICJ) خواستار نظر مشورتی در خصوص تهدید به استفاده از سلاح هسته ای گردد. دبیرکل سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ به استناد قطعنامه شماره ۴۹/۷۵ سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان



برش

نیاید از نظر دور داشت که جنایات اسرائیل و تهدید به استفاده از سلاح هسته ای و گسترش روزافزون سلاح های کشتار جمعی توسط این رژیم ناشی از ایهام در مقررات بین المللی نیست، بلکه این امر نتیجه مصونیتی است که کشورهای غربی بویژه امریکا در قالب جتر حمایتی برای فرار از مجازات جنایات علیه بشریت، نسل کشی و جنایات جنکی روی این رژیم ایجاد کرده اند. به همین دلیل علاوه بر تلاش حقوقی از طریق دیوان بین المللی کیفری، تلاش های سیاسی کشورهای صلح دوست جهان با استفاده از سازکارهای موجود بین المللی از جمله مجمع عمومی سازمان ملل و افشارگری های مستمر رسانه ای در سطح بین المللی نسبت به جنایات صورت گرفته می تواند با مورد انزوا قرار دادن قدرت های حامی اسرائیل آنان را در وضعیتی قرار دهد تا مجبور شوند به خواست جامعه بین المللی تن دهند.